

## باب سوم در قتل و جرح

مواد از ۱۷۲ تا ۱۷۵ قانون مجازات عمومی

در شماره های ۷۹ و ۸۱ مجموعه حقوقی سابقاً راجع بقتل مبسوطاً صحبت کردیم و فعلاً منظور بحث در مواد از ۱۷۲ و مابعد آن مربوط بضر و جرح عمدی است.

ماده ۱۷۲ مقرر داشته هر کس عمداً بدیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب قطع یا نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضاء و یا منتهی به مرض دائم یا فقدان یکی از حواس مجنسی علیه گردد از دو تا ده سال حبس مجرد محکوم میگردد در صورتیکه منتهی بزوال عقل گردد بعداً اکثر مجازات مزبور محکوم خواهد شد.

مقنن در ماده مزبور عبارت ضرب و جرح عمدی را استعمال نموده و در بادی نظر از عبارت ماده مزبوره قصور الفاظ آن بنظر میرسد از شمول تمام افرادیکه ممکن بود در تحت عنوان آزار بدنی عمدی باختلاف انواع آنها و طرز ارتکاب در تحت عنوان مزبور جمع شود چه آنکه بسا اعمالی است که ممکن است عمداً از ناحیه یکفرد بر فرد دیگر وارد آید که موجب آزار بدنی مجنسی علیه باشد و اصطلاحاً آنشود آنرا ضرب یا جرح نامید اعم از آزارهای ظاهری و باطنی که تحت عنوان آزار یا تعدی ممکن است آنها را تعبیر نمود که این آزار و تعدی از طرف یکفرد بر بدن یکفرد دیگر واقع شود عمداً مثلاً اگر بکنفر صورتاً بعنوان شوخی و معناً بعنوان

عمد میچ دست دیگری را به پیچاند که دست از جا دربرود یا استخوان بشکند یا موی سر رفیق خود را بشوخی بکشد تا تمام موهاکنده شود یا بشوخی با دیگری کشتی بگیرد که او را بزمین بزند یا دونفری که بطور موازنه بیک شاخه درخت قابل انعطاف آویزان باشند بکنفر از آنها شاخه درخت را رها کنند که آن دیگری را بزمین بزند و طرف دیگر بزمین بخورد و بسختی مجروح شود و سایر افراد این قبیل اعمال که تأثیر ظاهری بر جسد وارد بیاورد و یا تأثیر باطنی وارد آورد مثلاً اگر کسی در پشت سر بکنفر شخصی که غافل از وجود فردی در عقب سر اوست در شب تاریک عمداً تفنگی را خالی کند یا بکصدای عنیفی خارج کند که شخص جلوی غافل دفعه از جا بپرد و در اثر این عمل یا بر دژ گوش او پاره شود و یا در داخل اندرون مجنی علیه تولید (شك) حرکت دفعی عنف ایجاد و در نتیجه اعصاب او خراب و یا اگر زن حامله باشد سقط جنین کند و امثال آنها تمام این سدماتی که ظاهراً و باطناً بر جسد وارد آید داخل در تعریف ضرب و جرح عمدی نیست لذا مقنن ایتالیائی در ماده ۳۷۲ از قانون جزاء آن مملکت و مقنن هلندی در ماده ۳۰۰ و مقنن مجاری در ماده ۳۰۲ و مقنن آلمانی در ماده ۲۲۳ و ما بعد و مقنن سودانی در ماده ۲۴۶ قانون مجازات عمومی خود کامه (الاذی) که عبارت از آزار باشد استعمال نموده و مقنن فرانسوی بعد از کامه جرح و ضرب مندرج در مواد ۳۰۹ و ۳۱۱ عبارت و غیر آنها از وسائل عنف و تعدی (Autre violence ou voies de fait) را استعمال نموده است.

زیرا از عبارت هر کس عمداً بد دیگری جرح یا ضربی وارد آورد مندرج در صدر ماده ۱۷۲ چنین استنباط میشود که شخص فاعل عمداً با دست یا آلتی که در دست دارد بوسیله ضرب بر جسد دیگری (مجنی علیه) ایجاد آثار ضرب یا جرح نماید پس بنا بر ظاهر این عبارت شقوق معروضه فوق از عنوان این ماده خارج میگردد و اگر بجای عبارت عمداً بد دیگری جرح یا ضرب عبارت آزار (اذیت) بدنی اعم از ظاهری

یا باطنی استعمال میشد بیشتر ممکن بود افراد ذکر شده مشمول ماده مزبور گردد. مقنن ضمن ماده ۱۷۳ خواسته است تا اندازه ازضیق معنی عبارت ماده ۱۷۲ بکاهد که عبارت (هر گاه صدمه وارده) تعبیر نموده ولی بالاخره صدمه وارده به موجب ضربه یا جرح مندرج در صدر ماده ۱۷۲ فوق الاشعار متبادر بدهن میگردد و بالاخره مقنن در ضمن ماده ۱۷۲ مجازات شدیدتری برای مرتکب اعمال مندرج در ضمن ماده مزبوره که از حیث آثار واقع در بدن مجنمی علیه عواقب وخیمتری دارد در نظر گرفته و مجازات را ازدو تاده سال حبس مجرد مقرر داشته در صورتیکه در ماده ۱۷۳ چنانچه صدمه وارده موجب مرض یا سلب قدرت کار کردن از کسی که صدمه خورده زاید بر ۲۰ روز باشد ۶ تا یکسال و الا از هشت روز (یازده روز) تا پنج ماه مقرر شده.

قانون فرقی بین افعال و اعمالی که ممکن است تحت عنوان جرح یا ضرب واقع شود بر حسب مواد ذیل ماده ۱۷۲ بمقدار مجازات آنها قرار داده مثلاً ضرب و جرح عمدی را در مواد ۱۷۲ و ۱۷۳ و غیر عمدی را در ماده ۱۷۴ و ۱۷۵ مقرر داشته و همچنین در مواد ۱۷۲ و ۱۷۳ میزان مجازات را از یکدیگر تفکیک کرده و قدر مشترك بین همه آن اعمال قصد جنائی است البته در مواد ۱۷۲ و ۱۷۳ عمد در قصد جنائی است و در ماده ۱۷۴ عمد در اصل عمل جنائی نیست ولی در مقدمه قصد مسلماً وجود دارد و الا مجازات غیر قصد عقلاً قبیح است (که در این باب مشروحاً بتدریج بحث خواهیم نمود).

فعل ضرب یا جرح عمدی دارای دو رکن مشکل جرم است ..

۱- وقوع یا فعل ضرب یا جرح ۲- قصد جنائی

( مقصود از عبارت جنائی که در اینجا ذکر میشود جنائی بودن عمل از نظر

میزان مجازات مندرج در قانون نیست بلکه مقنن و شارحین قانون جزا یکی از ارکان عمل جزائی را قصد جنائی تعبیر کرده و مقصود از این عبارت در اصطلاح شارحین

قوانین دنیا بعبارة قانونگذار ایران (سوء نیت) میباشد)

### ۱- وقوع یا فعل ضرب یا جرح

اقتصار شده در عبارات قانون بذکر لفظ جرح و ضرب (غیر از آنچه در ماده ۱۷۶ ذکر شده که دادن ادویه یا مشروبات) و این دو لفظ کافی نیستند که تمام انواع و افراد آزارها را که فوقاً شرح داده شد شامل گردد از حیث ضیق عبارت و از این جهت است که محاکم مضطر شده اند در تأویل و تفسیر کلمه جرح و ضرب در وقتیکه یک نفر دیگری را عمداً بزمین بزند و امثال آنها که ناچاراً بعضی از این قبیل اعمال را داخل در نوع ضرب یا جرح دانسته و برای آنها مجازات تعیین نموده اند ولی در فرض آنیکه کسی موی سر کسی را بکشد و از این حیث آزاری بر او وارد آورد یا آب دهن بصورت طرف بیندازد (۱) یا بوسیله صدا های ناهنجار صدمه باطنی برد دیگری وارد آورد که این قبیل از اعمال در محاکمه از عنوان جرح و ضرب خارج شده و برای جبران صدمه وارده بر متضرر از عمل دیگری تقریباً ایجاد مشکل نموده است در صورتیکه اگر عبارت آزار ظاهری یا باطنی استعمال شده بود بجای عبارت جرح یا ضرب بیشتر ممکن بود حق مجنی علیه جبران و تأمین شود.

و اما کلمه جرح در اصطلاح طبی عبارت است از پاره گی که در انسجه بدن حاصل میشود از استعمال آلت برنده - پس داخل در این تعریف میشود فرورفتگی دنده ها و کنده شدن پوست بدن بوسیله دندان گرفتن و شکستن استخوان و سوزاندن بدن (که آنهم پاره گی در انسجه است) و همچنین جراحات داخلی از قبیل پاره شدن عروق در داخل بدن که موجب خونریزی در شکم یا خون مردگی در زیر جلد میشود

جارو ۴ فقره ۱۷۰۲ جارسون مواد ۱۳۰۹ الی ۳۱۱ فقره ۴

و اما تعریف ضرب - ضرب عبارت است از هر اثری که حادث شود در جسم

(۱) قارون جارو ۴- فقره ۱۷۰۳ ص ۶۶۹ نوبه ۱۷

انسان که آن اثر ناشی باشد از استعمال وسیله غیر برنده مثل چوب و امثال آنها -  
ضرب واقع میشود بر جسم هر چند اثر ظاهری باقی نگذارد از قبیل کبودی پوست بشره  
یا جمع شدن گلبولهای خون در زیر محل اصابت ضرب ( جارسون فقره ۱۵ شو فووهیلی  
۴ فقره ۱۳۳۵ )

و با معنی وسیعی که از ضرب بدست میآید داخل میشود تمام فروض و صور  
صدمات و ضرب عنیف جسمی به جسم مجنی علیه - یکمرتبه واقع شدن این عمل کافی  
است برای تحقق بزه هر چند بصیغه جمع (ضرب) استعمال شده و گاه ممکن است  
ضرب بغیر استعمال وسیله مخصوص باشد مثل سیلی زدن بدست یا نگذردن با پا.  
و گاه ضرب واقع میشود با آلت مثل ایراد ضرب با چوب و امثال آنها یا بیل و  
آلات زراعتی (داس) و غیره یا سنگ و غیره.

و گاه حاصل میشود به فعل حیوان استخدا شده برای این کار ( مانند میش  
شاخ زن یا کلب معلم) که معمولاً میش را تعلیم دهند که بهر عابری شاخ بزنی و یا بهر  
شخصی که با اشاره مخصوص بآن میشود اشاره شد شاخ بزنی یا با اشاره به سنگ تعلیم  
داده شده که سنگ مشارالیه را صدمه بزنی (در قانون مجازات عمومی فرانسه برای  
این عمل مجازات جنبه قاتل شده اند (ظاهراً ماده ۳۱۰) ولی در قوانین ایران این  
عمل را جزء امور خلافی ذکر نموده اند ولیکن آیا داخل میشود در حکم ضرب و  
جرح از آن بیکه واقع میشود بر بدن با قصد جنائی ظاهراً و با باطناً یا خیر چه آنکه  
اقتضای عبارت ضرب و جرح مذکور در مواد ۱۷۲ و ۱۷۳ قانون مجازات مستلزم عمل  
مادی است بشرح بالا و مانع از دخول سایر آزارها است در تحت عنوان و اطلاق معنی  
لفظ مذکور است مثل اینکه مرتکب ایجاد صدای مزعج و مخوف با سوء نیت که در  
طرف غافل بی اطلاع ایجاد خوف شدید مینماید بدون اینکه ظاهراً در ظاهر بشره  
بدن او آزاری باقی نگذارد ولی آثار باطنی از آن تولید شده آیا داخل در معنی

لفظ مزبور است یا خیر جواب مثبت باین سؤال مشکل است مگر آنکه تحت عنوان مواد دیگری از قانون بتوان مجازات مناسبی قائل شد اما در قانون مجازات عمومی فرانسه که عبارت (و غیر آنها از وسائل عنف و تعدی و تعدی (Autre violence ou voies de fait) ذکر شده دیوان کشور فرانسه چنین رأی داده (تعدی و ایذاء منحصر بر ایذاء بدنی فقط نیست بلکه شامل میشود هر فعلی که سبب تأثیر و انزعاج طرف دیگر شده مثل کسیکه گلوله تفنگ را در پشت سر غافل بی اطلاع آتش کند بقصد ترسانیدن او (مطابق ماده ۳۱۱ قانون مجازات فرانسه) و از آنجا است که رأی مزبور مبدأ تفسیر ماده مزبور در محاکم فرانسه شده است (دالوز ۱۸۷۲ - ۴۷۶۲ - ۲ - جازو ۴ فقره ۱۷۰۴)

ولیکن داخل نیست در تفسیر مزبور مجرد اقوال و اشارات مزعجه هر چند تأثیر مهمی در نفس طرف داشته باشد مثل اینکه گوینده بدروغ به پدری از راه دشمنی و سوء نیت بگوید پسر تو در جنگ کشته شد که وصول این خبر به پدر باعث تأثیر شدیدی بشود (پدر خود را بزمین بزند یا اعمال غیر عقلانی دیگری در تکب شود که در نتیجه صدمات بدنی ظاهری و باطنی بر او وارد آید (جازو ۴ فقره ۱۰۷۶)

انعام

رویکه دین آن کشور بر شکستش

در موردیکه دادگاه در باره کسی که کمتر از هیجده سال داشته

حکم شلاق داده است:

ماده ۳۶ و تبصره ماده ۱۷۳ قانون کیفر عمومی

جوان هفده ساله ای با اتهام جرح باچاقو مورد تعقیب دادسرای شهرستان واقع